

در گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر منوچهر محمدی بررسی شد

«علوم سیاسی» از آنچه هست تا آنچه باید باشد

با پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اهدافی که انقلاب دنبال می کرد، تغییر فضای دانشگاه و اسلامی شدن این فضا بود. در ابتدا شورای انقلاب فرهنگی این هدف را پی گرفت که عملکرد آن به تعدیل اساتید سکولار و مخالف انقلاب اسلامی محدود شد. در ادامه با باز پیدایش اساتید سکولار به واسطه وجود متون ایدئولوژیک غربی در دانشگاه، آذهان متوجه این شد که آنچه باید تغییر کند خود علوم است. در این میان سخن از تحول در علوم انسانی، اسلامی کردن علوم به میان آمد. این سخنان در طی سی و پنج سال گذشته در حد سخن و مباحث نظری و جدال‌های فلسفی ماند. اما امروز شاهد این هستیم که شورای عالی انقلاب فرهنگی با تشکیل کار گروه‌های متشکل از اساتید میرز و متعهد هر رشته، اقدام به تحول سر فصل‌ها و متون رشته‌های دانشگاهی نموده است. در این میان کار گروه رشته علوم سیاسی به دلیل اهمیت آن در این طرح تحول پیشگام شده است. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی است که با دکتر منوچهر محمدی «رئیس کارگروه تحول و ارتقای علوم سیاسی» که در اندیشکده برهان صورت پذیرفته است، در این مصاحبه کم و کیف این طرح تحول مورد مذاقه قرار گرفته است. علاقه‌مندان می‌توانند متن تفصیلی به همراه لینک دانلود فایل PDF سرفصل‌های تغییر و ارتقای یافته دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی را امروز در پایگاه اینترنتی اندیشکده برهان مورد مطالعه قرار دهند. تفاوت نگاه ما با نگاه غربی در این است که نگاه غربی به همه مسائل علم سیاست صرفاً مادی گرایانه و دنیوی است. در مقابل، نگاه اسلامی معنویات را به همراه دارد. یعنی ما بر خلاف آنچه که می‌گفت «خدا مرد»، خدا را وارد صحنه مطالعات سیاسی کرده‌ایم و نقش معنویات و دنیا و عقبی را هم در نظر گرفته‌ایم. دوره کارشناسی، توصیفی و انتقادی است. دوره کارشناسی ارشد تحلیلی و انتقادی و دوره دکترا نوآوری و نظریه پردازی است. همچنین دوره کارشناسی استادمجوز است؛ در دوره کارشناسی ارشد نیمی استاد و نیمی دانشجو مورد ن در دوره دکترا اصولاً دانشجو محور است و استادان علم نظر خداوست.

■ ■ ■

برای شروع بحث، لطفاً در ابتدا درباره کارگروه تحول و ارتقای رشته علوم سیاسی توضیحی بفرمایید تا مدخلی باشد برای شروع بحث.

در میان علوم انسانی، علوم سیاسی مهم‌ترین رشته است؛ زیرا علوم سیاسی دلتحرم می‌سازد و کسانی که بر ما حکومت می‌کنند، پرورش یافته این رشته هستند. از طرفی، حضرت امام (ره) در یکی از عبارات تاریخی خود، مسئولیت ما را در تحول علوم سیاسی فوق‌العاده سنگین تر کرده‌اند. در جلد اول صحیفه آمده است که ایشان در سال‌های ۴۲ و ۴۳ با قید سوگند می‌فرمایند «والله اسلام تماشای سیاست است». پس از خواندن این جمله متوجه می‌شویم که رشته علوم سیاسی بار مسئولیت بسیار سنگینی دارد.

همان‌طور که مطلع هستید، غرب حدود ۳۰۰ سال است که کبیه‌آمال همه‌اندیشمندان است. غرب بعد از عهدنامه وستفالیاسیاست را تعریف کرد و دین را از آن جدا دانست. پس از آن، مارکس هم دین را فئوین ملت‌ها و در تقابل با سیاست معرفی کرد. این امر بر جامعه ما هم اثر گذاشته بود و سیاست‌های مادی‌گرای سیاست را کاملاً در بر گرفته بودند. این اتفاق حتی در میان قشر مذهبی و در حوزه علمیه هم قم رخ داده بود. به این ترتیب، سال‌های متعددی در حوزه هیچ مطلبی اراجع به سیاست مورد تدریس و بحث واقع نشد. بهترین فرد و مجتهد آن کسی می‌دانستند که اهل سیاست نبود؛ چون سیاست را مترادف با دروغ، کلک، حقه‌بازی و به عبارات دیگر، همان سیاست ماکیاولی دیده بودند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با وجود پدیده‌ای به نام انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، متأسفانه رشته علوم سیاسی تغییری نکرد؛ زیرا اساتید پرورش یافته غرب بودند و آنچه ارائه می‌دادند، ترجمه‌ای از متون غربی بود.

مقام معظم رهبری به این مسئله عنایت ویژه‌ای کردند و متوجه شدند که بخش مهمی از انحرافات دولت‌مرمان ما به این دلیل است که درک نادرستی از سیاست دارند. بنابراین با توصیه و دستور ایشان مسئله تحول در علوم انسانی مطرح شد. شورای انقلاب بهترین هم‌شورایی را با عنوان تحول و ارتقای علوم انسانی به وجود آورد که مشتمل بر ۱۵ رشته علوم انسانی بود. با توجه به اهمیت و حساسیت علوم سیاسی، توجه بیشتری به آن شد و ما نیز به عنوان پیشگام و الگوساز این مسئله کارمان را شروع کردیم.

اولین قدم ما این بود که اهداف و رسالت این تحول را مشخص کنیم. باید می‌دانستیم قصد داریم چه کاری انجام دهیم. آیا می‌خواستیم مثل اسلامی شدن دانشگاه‌ها فقط حرف بدون عمل بزنیم یا واقعاً می‌خواستیم در عمل این رشته را اسلامی کنیم؟

جناب دکتر محمدی فرمودید اولین قدمی

که دنبال کردید ترسیم اهداف طرح «تحول

و ارتقای رشته علوم سیاسی» بود در این باره

ممتون میشوم بیشتر توضیح بفرمایید؟

به این منظور، چهار هدف را مشخص کردیم.

اول، اسلامی‌سازی صحیح رشته علوم سیاسی. یعنی علم سیاست را بر اساس مبانی معرفتی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی تعریف کنیم؛ زیرا آنچه تا به امروز خوانده‌ایم، بر اساس مبانی معرفتی

مادی گرایانه غرب بوده است. دوم بومی‌سازی. باید مسائلی را که واقعاً مورد نیاز جامعه ماست و کاربرد دارد، مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. سوم کاربردی کردن این رشته

و جلوگیری از دیدگاه‌های تئوریک و نظری صرف. چهارم مفهوم‌سازی آن. در واقع، تمام واژه‌ها و مفاهیم موجود در

علوم سیاسی بر خاسته از غرب است. پس باید مفاهیم

جدیدی ارائه دهیم که با نیازهای ما هماهنگ باشد. ما در این مجموعه، تقریباً فقط و فقط به مدت شش ماه بر روی تعاریف، چارچوب‌ها، اهداف، رویکردها و روش‌ها کار کردیم. در پایان، مجموعه‌ای ۵ جلدی استخراج شد که در شورای تحول مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و به دنبال آن، ما وارد عرصه عینی این دوره‌ها شدیم. در رابطه

با رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌ها، ما این جمع‌بندی رسیدیم که بر اساس توصیه وزارت علوم، سیستم‌لوزی را ارائه دهیم؛ به این معنا که در دوره کارشناسی فقط یک رشته داشته باشیم و در مراحل بعدی آن را کمی بزنیم.

بنابراین با وجود رشته‌های مختلف در حوزه علوم سیاسی (تقریباً ۳۰ رشته) همه آنها را تجمیع علوم، سیستم‌لوزی را کارشناسی فقط یک رشته و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا چهار رشته را تعریف کردیم؛ دو رشته کاربردی و دو رشته نظری: سیاست محض، سیاست اسلامی، مطالعات ایران و مطالعات جهان.

در مرحله بعد، رسالت‌ها و مأموریت‌های هر یک از این مراحل را تعریف کردیم. معتقدیم که دروس دوره کارشناسی باید توصیفی، انتقادی و استادمحور باشد؛ به این معنا که مطالب و محفوظاتی را برای دانشجو تعیین کنیم، دانشجو را با مسئله نقد آشنا و به مبانی اسلامی نزدیک کنیم.

به عبارات دیگر، عناوین دروس گذشته را حفظ کنیم و نگاه جدیدی را به این زمینه نماییم. در حقیقت، به مبانی نظری غربی مانند دیپلماسی و نظام سیاسی بین‌الملل رویکرد انتقادی داشته باشیم و در عین حال بدیل اسلامی آن را ارائه دهیم. در این دوره ابتدا از مبانی شروع کردیم و اولین درسی که ارائه دادیم، قرآن و سیاست است. قرآن کتاب آسمانی ما و کلام خداست؛ بنابراین باید مبانی اسلامی سیاست را از آن استخراج کرد. به علاوه، چندین درس مبانی اسلامی دیگر را نیز ارائه دادیم مانند سیره سیاسی نبوی، سیره سیاسی ائمه معصوم، اندیشه سیاسی حضرت امام و رهبری.

در کنار این دروس، مبانی غربی علم سیاست را نیز با همان رویکرد مذکور ارائه دادیم؛ مخصوصاً مبانی اقتصادی، حقوقی و جامعه‌شناسختی. در واقع، ما دروسی را در نظر گرفتیم که مورد نیاز جامعه است؛ چون بسیاری از دروس کهنه شده بود و ربطی به جامعه ما نداشت. در مجموع، از ۹۰ عنوان درس، ۴۸ عنوان جدید و ۵۲ عنوان هم درس‌های گذشته هستند یا رویکرد جدید ارائه شده

متون جدید یقیناً و صدر صد به سمت

اسلامی شدن حرکت کرده‌اند و هیچ

سرفصلی نیست که نگاه‌اسلامی نداشته

باشد. در عین حال، نگاه غربی را هم نادیده

نگرفتیم و مورد توجه و نقد قرار دادیم



اندیشه

اندیشه ۸۸۴۹۸۷۱۹



است.

اقدام دیگر این بود که با توجه به اینکه واقعاً محتوا و شکل

ارائه مطالب، هر دو، تغییر کرده است، ضمن اینکه منابع کمکی در همه سرفصل‌ها ارائه دادیم، یک منبع اصلی را هم تعیین کردیم که ۹۰ نفر از اساتید مأمور این کار

با توجه به برخی صحبت‌ها نظیر اینکه گفته می‌شود در این طرح تحول از اساتید علوم سیاسی کمک و مشورت گرفته نشده شما می‌فرمایید ۹۰ نفر از استادان دانشگاه علوم سیاسی با این طرح همکاری داشتند؟

دقیقاً. برخی از استادان علوم سیاسی ادعا کردند که در جریان نبودند؛ در حالی که ما از روز اول، طی بخشنامه‌ای به همه گروه‌های علوم سیاسی و گروه‌های مرتبط با آن، اعلام موجودیت و آمادگی کردیم. در انجا عنوان کردیم که قصد داریم از همکاری‌های همه اساتید استفاده کنیم و آنها را در جریان پیشرفت کار قرار خواهیم داد. سپس مصوبات را در مرحله به مرحله برای آنها می‌فرستادیم تا قبل از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی نظر ایشان را اعلام کنند. گاهی نیز نظرات سؤمندی به ما می‌رسید که مورد استفاده قرار می‌گرفت. حتی در آخرین مرحله هم فایل تمام سرفصل‌ها را قبل از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برای آنها فرستادیم و در شورای تحول و برنامه‌ریزی وزارت علوم مطرح شد. در نهایت، بعد از دو سال کار، نسخه آخر به دست ما رسید؛ برای انجام این کار چهار کمیته زیرمجموعه تخصصی را تشکیل دادیم و حدود ۲۰۰ نفر از اساتید را به شکل‌های مختلف درگیر این پروژه کردیم. دو کمیته بین‌الملل و سیاسی در تهران و کمیته ایران و سیاست اسلامی در قم تشکیل شد که ۵۰ نفر عضو داشت. در ضمن، دانشگاه علامه هم با نظرگیری ماتئوری کمک‌دی‌قیمتی به ما کرد که از آن بهره‌فروانی بردیم. بنابراین، خوشبختانه کار بسیار اساسی، بنیادین و عمیقی انجام شد.

در مرحله پایانی نیز شورای انقلاب فرهنگی آن را به وزارت علوم و وزارت خارجه نیز به دانشگاه‌ها ابلاغ کرد و آن‌ها شاله از اول مه‌رام اجرا می‌شود.

همان‌طور که مستحضر هستید، در انقلاب فرهنگی اساتیدی که با مبانی انقلاب، نظام و اسلام مشکل داشتند و ذیل ایدئولوژی‌های لیبرالیستی و سکولارستی فعالیت می‌کردند، کنار گذاشته شدند؛ اما شاهد بودیم که دوباره اساتید جدیدی به دلیل وجود متون مبلغ ایدئولوژی‌های غربی باز تولید شدند. در مقطع کنونی شاهد هستیم که تحول در لایه‌های عمیق‌تر یعنی در متون بی‌گرفته می‌شود. حال با توجه به اینکه فرمودید که تلاش کردید معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی را معطوف به اساتید طراح‌ای کنید سؤال و نگرانی که به وجود می‌آید این است که این متون جدید چه مقدار اسلام‌ناپ را به صورت صحیح تبیین می‌کنند؟

می‌توان گفت متون جدید یقیناً صدر صد به سمت اسلامی شدن حرکت کرده‌اند و هیچ سرفصلی نیست که نگاه اسلامی نداشته باشد. در عین حال، نگاه غربی را هم نادیده نگرفتیم و مورد توجه و نقد قرار دادیم. تفاوت نگاه ما با نگاه

غربی در این است که نگاه غربی به همه مسائل علم سیاست صرفاً مادی گرایانه و دنیوی است.

در مقابل، نگاه اسلامی معنویات را به همراه دارد. یعنی ما بر خلاف آنچه که می‌گفت «خدا مرد»، عصر اندیشه» را وارد صحنه مطالعات سیاسی کرده‌ایم و نقش معنویات و دنیا و عقبی را هم در نظر گرفته‌ایم.

بنابراین، می‌توان گفت که این تحول بسیار اساسی است. البته غربی‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عنصر فرهنگ را نیز در مباحث خود دخالت دادند؛ ولی معتقدند که صرفاً می‌توانند بر مسائل مادی تأثیر بگذارند، نه اینکه به عنوان یک عنصر جداگانه نقش اثر باشد. در نتیجه، این نگاه جدیدی است که در حال شکل‌گیری است. ما معتقدیم که استادان دوره کارشناسی باید با این نگاه موافق باشند و به آن باور داشته باشند؛ در غیر این صورت، نمی‌توانند درس را ارائه دهند. حساسیت ما بر روی دوره کارشناسی است؛ چون در این مقطع، تفکر دانشجو در حال شکل‌گیری است و به هر حال، استاد بر جوانان ۱۸ ساله اثرگذار خواهد بود. در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا این نگرانی وجود ندارد؛ زیرا تفکر دانشجویان شکل گرفته است و می‌توانند نقد باشد. دوره کارشناسی توصیفی و انتقادی است. دوره کارشناسی ارشد تحلیلی و انتقادی و دوره دکترا نوآوری و نظریه‌پردازی است. همچنین دوره کارشناسی استادمجوز است؛ در دوره کارشناسی ارشد نیمی استاد و نیمی دانشجو محورند و در دوره دکترا اصولاً دانشجو محور است و استاد ناظر عملکرد اوست.

جناب دکتر شامفر فرمودید که کتب تدوین شده و صدر صد در مسیر اسلامی شدن است. همان‌طور که خود تا هم تأکید کردید، اساتیدی که قرار است این کتب را تدریس کنند، باید معتقد به آن باشند. آیا در حال حاضر این ظرفیت در فضای علمی کشور وجود دارد؟

می‌توان دده‌ای را از میان همین اساتید انتخاب کرد و با یک کار آموزشی، به آنها جرت داد تا در دوره کارشناسی مشغول به کار شوند. اساتیدی که واقعاً باورمند نیستند، می‌توانند در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا تدریس کنند. به علاوه، اسرار نداشته باشیم که حتماً مدرک PHD داشته باشند. در بسیاری از مراکز علمی دنیا دانشجویان دوره دکترا در دوره کارشناسی تدریس می‌کنند. چرا ما این کار را نکنیم؟

باید از دانشجویان باورمند استفاده کنیم. به این ترتیب، هم به نوشتن سرفقاله او کمک می‌کنیم و هم او می‌تواند با علاقه‌مندی بیشتری تدریس کند.

توصیه‌ای برای منتقدان این طرح از جمله ۱۶۰ نفری که طی نامه‌ای خطاب با تر رئیس جمهور خواستار بازنگری فرایند تدوین و تصویب سرفصل‌ها و عناوین رشته علوم سیاسی شدند، دارید؟

معتقدم به جای اینکه همکاران و دوستان عزیزم به صورت کلی بگویند که در جریان این مسئله نبودند، بهتر است متن را بخوانند و انتقادات را به ما منتقل کنند. ما حتی از انجمن علوم سیاسی دعوت کردیم که در جلسه کار گروه حرف‌های خود را بیان کند؛ چون حرف ما روشن و منطقی و محکم است و در عین حال منطبق را هم می‌پذیریم.

همان‌طور که عرض کردم، پیشنهادات خوبی به دست ما رسیده است و مطمئن هستیم با یک بیشتر روی این مسائل و شنیدن نظرات جدید، قوی‌تر نیز خواهد شد. حاصل کار نیز وحی منزل نیست و مسلماً بعد از یک سال آن را ارزیابی خواهیم کرد. بنابراین بهتر است منتقدان به جای اینکه جلوی اجرای آن را بگیرند (که البته نمی‌توانند)، انتقادات را مطرح و به غنی‌تر شدن آن کمک کنند.

در پایان اگر نکته‌ای باقی مانده است، بفرمایید.

دعا بفرمایید که آن‌شاه‌الله در این مسیر بسیار مهم و دشوار، خداوند به ما کمک کند. همان‌طور که غربی‌ها بعد از عهدنامه وسفالیا توانستند سیاست ماکیاولی و وسفالیایی را جایبندازند، ما نیز بتوانیم سیاست اسلامی را هر چه زودتر جهانی کنیم.

تازه‌های نشر

نگاهی به نشریات حوزه علوم انسانی

پیشخوانی برای عصر اندیشه

این روزها پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها شاهد نشریات جدیدی هستند برای مخاطب. از آن جمله می‌توان به نشریه «عصر اندیشه» اشاره نمود. شماره اول این ماهنامه به مدبر مسئولی محمدمهدی دانی و زیر نظر شورای سردبیری شامل

شهریار زرشناس، پیام فضلی‌نژاد و سعید مستغانی در ۱۲۲ صفحه منتشر شد. «عصر اندیشه» مجله فرهنگ و علوم انسانی است که تیتیر نخست خود را به «انشعاب در کانون نویسندگان به روایت کیومرث منشی‌زاده» اختصاص داده است.

■ ■ ■

برده نقاشی استاد جعفر پنگر با موضوع «علی(ع)، انگشتری و گنا»، فصلی منتشر نشده از کتاب «دا» به همراه گفت‌وگو با نویسنده و راوی کتاب، گفت‌وگوی ویژه با پروفیسور «جیمز پتراس» مشاور سابق سالوادور ائنده و جامعه‌شناس امریکایی پیرامون «تجربه مبارزه با سرمایه‌داری»، مقاله «فهم فقه شهروندی» نوشته حسام‌الدین برومند، گفت‌وگوی منتشر نشده با استاد «محمدمهدی فولادوند» قرآن‌پژوه و هنرشناس معاصر درباره «داد و ستد فلسفه و زیباییشناسی»، سروده اختصاصی شعر شاعر ریاضی ایران درباره «غزه»، «ارهنمای فرهنگ» (سینمای جهان، تئاتر، رمان و داستان و موسیقی) به همراه اثری از استاد



حسن رحیم‌پور از غدی با عنوان «بازشناسی تئوریک داستان نویسی اسلامی» از مطالب شماره اول «عصر اندیشه» هستند.

این مجله هر ماه «کلوپ نویسندگان» را با حضور منتقدان رشته‌های مختلف برگزار می‌کند و در شماره نخست، استاد سیدمحمد مهدی میرباقری رئیس فرهنگستان علوم اسلامی در بازدید از تحریریه «عصر اندیشه» به ترسیم «نقشه راه مبارزه با سکولاریسم» پرداخت. همچنین دکتر محمدتقی کرمی مدیر گروه مطالعات زبان دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر احمد دوست محمدی مدیر گروه مطالعات منطق‌های دانشگاه تهران از دیگر مهمانان کلوپ عصر اندیشه بودند. گزارش‌های «چرا ستاره‌ها خودکشی می‌کنند؟» به بهانه خودکشی رابین ویلیامز کم‌دین هالیوودی و «شاهان چگونه می‌میرند؟» (گندوکاوی در مرگ شاهان آواره) به بهانه سالمرگ رضا محمدرضا پهلوی از پرونده‌های ویژه نشریه هستند.

■ شروعی خوب برای فرهنگ امروز
از جمله نشریات جدید که در حوزه فرهنگ و علوم انسانی به تازگی انتشار یافته و در پیشخوان مطبوعات و کتابفروشی‌ها قرار گرفته ماهنامه «فرهنگ امروز» است. این ماهنامه در شماره نخست خود «گفته‌هایی تازه در روشن‌فکری دینی» را موضوع گفت‌وگوی خود با رضا اوردی‌رادکانی قرار داده است و همین‌طور به بهانه بیستمین سالمرگ «کارل پوپر» -به بازخوانی نقد رضا داورى بر پوپر و علایقه‌مندی بیشتری تدریس کند.

توصیه‌ای برای منتقدان این طرح از جمله ۱۶۰ نفری که طی نامه‌ای خطاب با تر رئیس جمهور خواستار بازنگری فرایند تدوین و تصویب سرفصل‌ها و عناوین رشته علوم سیاسی شدند، دارید؟

معتقدم به جای اینکه همکاران و دوستان عزیزم به صورت کلی بگویند که در جریان این مسئله نبودند، بهتر است متن را بخوانند و انتقادات را به ما منتقل کنند. ما حتی از انجمن علوم سیاسی دعوت کردیم که در جلسه کار گروه حرف‌های خود را بیان کند؛ چون حرف ما روشن و منطقی و محکم است و در عین حال منطبق را هم می‌پذیریم.

همان‌طور که عرض کردم، پیشنهادات خوبی به دست ما رسیده است و مطمئن هستیم با یک بیشتر روی این مسائل و شنیدن نظرات جدید، قوی‌تر نیز خواهد شد. حاصل کار نیز وحی منزل نیست و مسلماً بعد از یک سال آن را ارزیابی خواهیم کرد. بنابراین بهتر است منتقدان به جای اینکه جلوی اجرای آن را بگیرند (که البته نمی‌توانند)، انتقادات را مطرح و به غنی‌تر شدن آن کمک کنند.

در پایان اگر نکته‌ای باقی مانده است، بفرمایید.

دعا بفرمایید که آن‌شاه‌الله در این مسیر بسیار مهم و دشوار، خداوند به ما کمک کند. همان‌طور که غربی‌ها بعد از عهدنامه وسفالیا توانستند سیاست ماکیاولی و وسفالیایی را جایبندازند، ما نیز بتوانیم سیاست اسلامی را هر چه زودتر جهانی کنیم.